



## گاهنامه علمی چکاوک

انجمن علمی دانشجویی علوم تربیتی

سال اول، شماره اول، پاییز ۱۴۰۱

# فلسفه برای کودکان









بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

IN THE NAME  
OF ALLAH





## گاهنامه علمی چکاوک

انجمن علمی دانشجویی علوم تربیتی

سال اول، شماره اول، پاییز ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: فاطمه محمدی کله سر

مدیرمسئول: پگاه قنبری گرمستانی

شورای سردبیری: فاطمه ملک پور، مریم مرادی، زهرا علیخانی

اعضای تحریریه: فاطمه محمدی کله سر، پگاه قنبری گرمستانی،

فاطمه ملک پور، مریم مرادی، زهرا علیخانی، فریما طالبی،

معصومه جعفری

مدیر اجرایی: فاطمه ملک پور

استاد راهنما: دکتر یوسف مهدوی نسب

طراح و گرافیست: مازیار بشیری منش



## فهرست مطالب

سخن سردبیر ..... صفحه ۲

فلسفه برای کودکان ..... صفحه ۳

گفتگویی جذاب من باب فبک با دکتر قائدی ..... صفحه ۵

معرفی و نقد کتاب با محوریت فلسفه برای کودکان ..... صفحه ۱۰

مدارس نوین، میرزای رشديه ..... صفحه ۱۳

زنگ تفریح ( تجربه های یک دبیر در رویارویی با مسائل تربیتی\_آموزشی دانش آموزان) ..... صفحه ۱۶

تأثیرات شگفت انگیز بازی بر تربیت کودکان ..... صفحه ۱۹

اخبار دنیای آموزش در حوزه علوم تربیتی ..... صفحه ۲۳

چالش های موجود در آموزش و پرورش ..... صفحه ۲۵

صلاحیت کنکوری یا گزینش دوره ای؟ ..... صفحه ۲۷





فاطمه ملک پور

عضو شورای سردبیری نشریه علمی

چکاوک

# سخن سردیر

عرض سلام و درود فراوان خدمت شاد و ستاران علم و ادب و خوانندگان دانا و پر تلاش

شاعرینان در حال تماشای خواندن اولین سر شماره نشریه علمی چکاوک در حوزه علوم تربیتی هستید.

همه ما کم و بیش از اهمیت حوزه تعلیم و تربیت ورشته علوم تربیتی در جامعه آگاهی داریم و آگاهی داریم که تمامی افراد از بد تولد تا کنن سالی از آموزش و یادگیری بی نیاز نمی شوند و

تعلیم و تربیت بعد جدا شدن از زندگی و شخصیت انسان است، همچنین می دانیم که افراد از ابتدای کودکی به آموزش و تربیت در تمامی ابعاد زمینه ماعلی مخصوص شیوه

اندیشیدن صحیح و کشف استعداد های خویش نیاز آشکار و مبرهنی دارند یکی از زیر مجموعه های تعلیم و تربیت به فلسفه در حوزه کودکان و برای کودکان بر می گردد فلسفه برای کودکان

دارای نام اختصاری فک است و شایان خواندن این گاهنامه متوجه می شوید که فک چیست و دارای چه نوع رویکردی است و چه راه حل ها و روش هایی در مواجهه با مسائل

آموزش در حوزه کودکان دارد و آن مسائل را چگونه بر طرف میکند

من باب این امر با استاد فریخته، جناب آقای دکتر قاضی، رئیس انجمن فلسفه برای کودکان، به عنوان شخصی که فعال در حوزه فلسفه برای کودکان است و سال ها خود و همکاران

کرایشان در این زمینه فعالیت های مثر و مثری داشته اند، گفت گویی جذاب و دلنشین داشتیم که در ادامه مطالب آن را خواهیم خواند.

بسیار سپاسگزارم از جناب دکتر که وقت گرانبهای خویش را در اختیار ما قرار دادند تا ما هم به کمک ایشان قدمی هر چند کوچک برای آگاه سازی شادوستان ارجمند در حد توان خود

انجام داده باشیم، همچنین سپاس بی کران خود را تقدیم استاد را بهنامی عزیز، جناب آقای دکتر مدوی نسب میکنم که در اولین قدم در این مسیر طولانی ما را همراهی کردند و با وجود

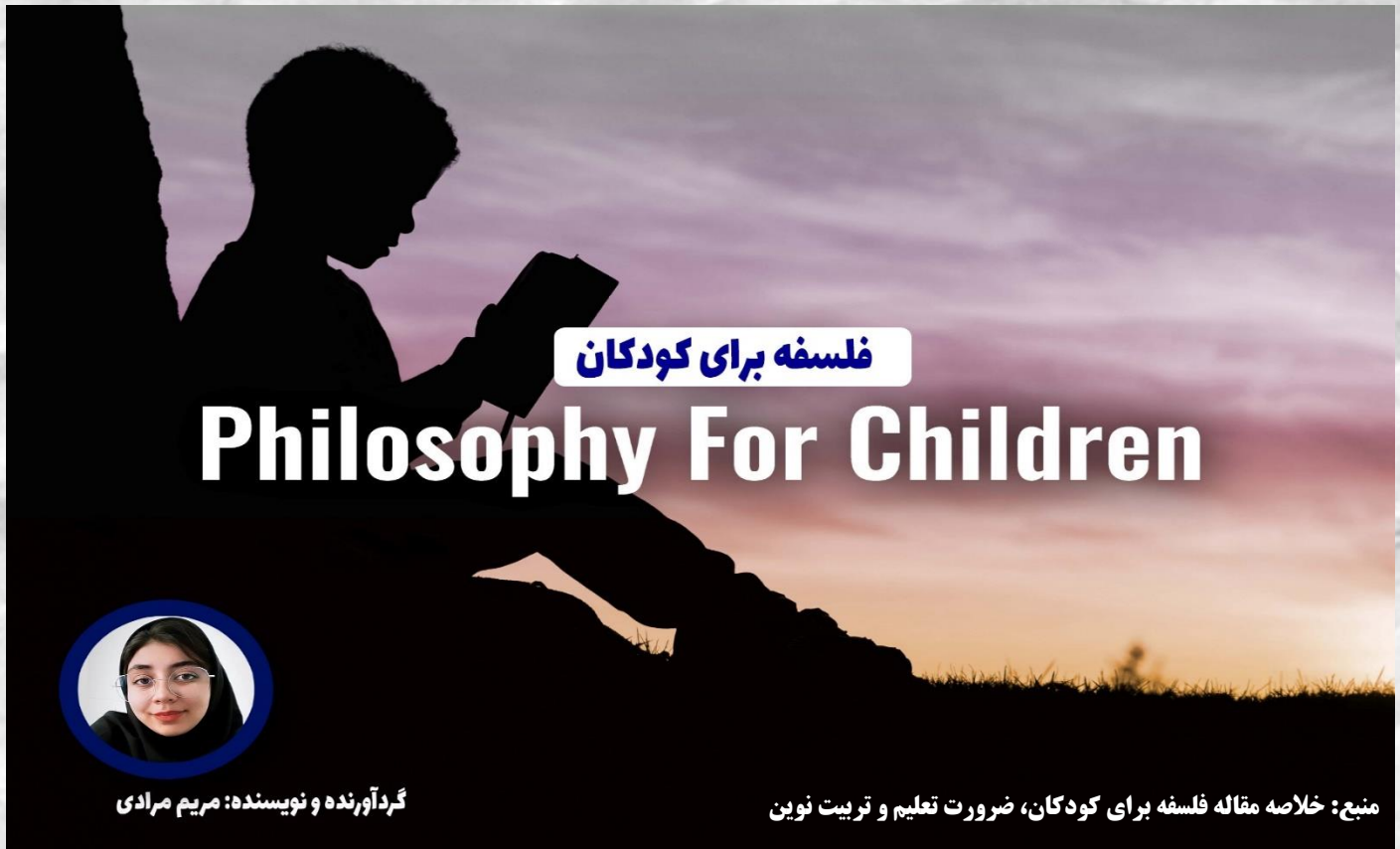
خود به ما قوت قلب دادند

نور علمت و علم پر تو عقل

روشت این سخن چه حاجت نقل؟







فلسفه برای کودکان

# Philosophy For Children



گردآورنده و نویسنده: مریم مرادی

منبع: خلاصه مقاله فلسفه برای کودکان، ضرورت تعلیم و تربیت نوین

## کلیاتی درباره فیک

### چیستی برنامه فلسفه برای کودکان:

فلسفه برای کودکان از نظریه‌های سخت و پیچیده‌ی فلسفی نیست بلکه هدف آن، آموزش تفکر و پرورش مهارت‌های استدلالی در کودکان است.

فلسفه برای کودکان یکی از راه‌های آموزش تفکر به کودکان است که به رشد مهارت‌های استدلال، خودمراقبتی، انواع تفکر انتقادی و خلاق از اوایل کودکی، کمک می‌کند.

لیپمن، معتقد است دانش‌آموزان باید با استفاده از آموزش مهارت‌های فکری از سطوح پایین شناختی به سطوح بالایی چون تجزیه و تحلیل و قضاوت دست یابند. وی معتقد است با آموزش فلسفه به صورت کاربردی می‌توان این مهارت‌ها را رشد داد

به اعتقاد بنجامین بلوم، سطوح شناختی دارای مراتبی است که پایین‌ترین سطح آن، دانش است که در این مرتبه، فراگیران فقط به حفظ کردن بی‌چون و چرای مطالب می‌پردازند و مطلب را درک و

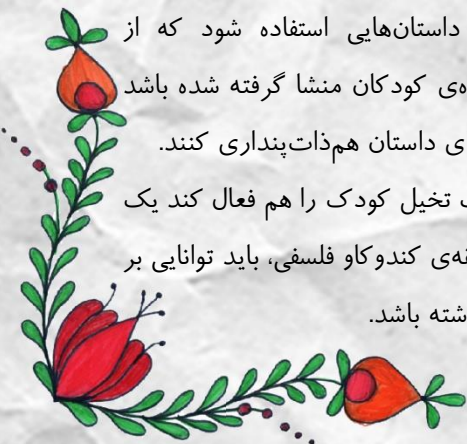
تجزیه و تحلیل نمی‌کنند. اجرای برنامه‌ی فلسفه برای کودکان، دانش‌آموزان را برای دست‌یابی به سطوح بالای شناختی، همچون تحلیل و قضاوت یاری می‌کند

### ویژگی داستان‌های فلسفی برای کودکان:

در این برنامه، داستان‌ها ابزار اصلی آموزش هستند. برای اجرای حلقه‌ی کندوکاو لازم نیست داستان‌هایی با موضوعات فلسفی و از پیش تعیین‌شده داشته باشیم که موضوعات ارزشی و اخلاقی در آنها به طور عمدی گنجانده شده باشد. بلکه استفاده از داستان‌هایی که ساختاری طبیعی دارند نیز برای اجرای این برنامه کاربرد دارد.

در این برنامه می‌بایست از داستان‌هایی استفاده شود که از تجربه‌های واقعی زندگی روزمره‌ی کودکان منشا گرفته شده باشد تا کودکان بتوانند با شخصیت‌های داستان هم‌ذات‌پنداری کنند.

علاوه بر این، داستان باید قدرت تخیل کودک را هم فعال کند یک داستان مناسب برای اجرای حلقه‌ی کندوکاو فلسفی، باید توانایی بر هم زدن تعادل کودک را نیز داشته باشد.





کودکان متفکر، موضوعات را از منظرهای مختلف و با عینک ذره‌بینی و اکتشافی خود می‌سنجند و ابعاد مختلف موضوعات را مد نظر قرار می‌دهند، این کودکان، راه را برای اصلاح تفکر خود باز می‌گذارند و هرگاه احساس کنند دیدگاه‌شان اشتباه یا ناقص است، در جهت تکمیل یا اصلاح دانسته‌های خود برمی‌آیند فلسفه برای کودکان به منظور تحریک انگیزه‌های مسئولیت‌پذیری، تاب‌آوری و روحیه‌ی انتقادی انجام می‌شود.

### هر کودک یک داستان:

زمانی که این برنامه را اجرا می‌کنیم، ممکن است یکی از کودکان پایان داستان خوانده شده را عوض کند و مطابق سلیقه و تخیل خود، داستان‌سرایی کند، این کار زمینه‌ای را برای بحث فراهم می‌کند، این امر می‌تواند در پروراندن خلاقیت کودکان تاثیرگذار باشد. وقتی کودک پیرنگ و شخصیت‌های داستان را مطابق میل خود عوض می‌کند، می‌توان زوایای پنهان ذهن کودک را از طریق پرسش و پاسخ و به چالش کشیدن، دریافت و به او کمک کرد تا کمبودهای خود را جبران کند. قرار گرفتن کودک در جریان مباحثه و پرسش و پاسخ، شنیدن و دفاع از پاسخ‌ها و نظرات خود، باعث تقویت و پرورش مهارت‌های شناختی از جمله زبان، تفکر و استدلال در کودکان می‌شود.

تسهیل‌گر باید مهارت‌های روان‌دنی کودکان را نیز تقویت کند یعنی باید توضیحات روشن و واضح را از کودکان بخواهد و ضد و نقیض گویی کودکان را اصلاح کند. انتخاب کتاب‌های داستان متناسب با ویژگی‌های عاطفی و روان‌شناختی و توانایی زبانی و عقلانی کودک، از دیگر مولفه‌های مهمی است که باید در حلقه‌های فکرپروری به آن توجه ویژه شود. چگونگی خواندن و انتقال احساسات و شخصیت‌پردازی داستان، آن‌گونه که ماهیت داستان را به صورتی قابل درک برای کودکان توصیف کند، به گونه‌ای که کودکان با اشتیاق و علاقه به داستان گوش فرا دهند و کودکان را در سرزمین تخیل با خود همراه کند، از وظایف مهم تسهیل‌گر، در حلقه‌ی کندوکاو فلسفی است که اجتماع گفت‌وگومندی و پرسش‌گری را در میان کودکان به گونه‌ای پرشور فراهم سازد.

یعنی باید بتواند بین آنچه در ذهن کودک می‌گذرد و برایش قابل پیش‌بینی است و آنچه در پایان داستان اتفاق می‌افتد، تناقض ایجاد کند در واقع در جریان یک قصه، کودک به وسیله‌ی داستان برخی حس‌های نو را تجربه می‌کند و آن‌ها را در خود جست‌وجو می‌کند مثل تنفر، حسادت، ترس و... از طریق شناخت این احساسات و گفت‌وگو درباره‌ی آن‌ها حتی می‌توان از برخی احساسات بد و ناپسند دوری جست. مربی و فراگیر، هر دو پرسشگرانی فعال هستند که با هم و در کنار هم می‌آموزند.

تغییر معلم محوری در کلاس درس به دانش‌آموز محوری، تاکید بر یادگیری همیارانه، استفاده از گفت‌وگوی نقادانه، استفاده از روش‌های حل مسئله، از اصول اساسی کلاس‌های فیک است. در این کلاس، دیدگاه مربی به فراگیر، دیدگاه از بالا به پایین یا فرودست نیست. کلاس، محفل اکتشاف و جست‌وجو است. مربی، نقش تسهیل‌گری و هدایت از راه دور را بر عهده دارد. در چنین کلاسی، معلم می‌بایست قبل از شروع مفاهیم درسی جدید، پیش‌زمینه‌ها و تجارب قبلی یادگیرندگان را نیز مد نظر قرار دهد؛ کودکان و معلم دایره‌وار می‌نشینند تا در روخوانی و گوش دادن با هم مشارکت کنند.

کودکان زمانی را صرف تفکر برای طرح پرسش‌های خود و سپس بررسی آن‌ها می‌کنند. دموکراسی و بیان آزادانه‌ی اندیشه و مجال اظهار خود، یکی از اهداف حلقه‌ی کند و کاو است.

### کودک فلسفی:

برنامه‌ی فیک، به طور مستقیم، آرای فیلسوفان را برای کودکان مطرح نمی‌کند؛ بلکه توانایی درست اندیشیدن را به کودکان یادآور می‌شود و آن‌ها را در این راه یاری می‌کند هدف برنامه فلسفه برای کودک اصلاً این نیست که مکاتب فلسفی را به کودکان آموزش دهیم. در برنامه فلسفه برای کودکان، کوشش می‌شود که فراگیران، از اوان کودکی غور کردن در مسائل مختلفی که روزانه با آن مواجه می‌شوند حتی اگر موضوعاتی بدیهی باشند، بیاموزند. از دیگر ویژگی‌های تفکر فلسفی، جامعیت است که به دیدگاه کلی اشاره دارد.







## گفتگو با دکتر قائدی:

### در زمینه فبک (فلسفه برای کودکان)

### رویکردی نوین در تعلیم و تربیت

گفتگویی جذاب با استاد یحیی قائدی، رئیس انجمن فلسفه برای کودکان و دانشیار گروه آموزشی فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی

#### منظور ما از تفکر نقاد چیست؟

در یک تعریف کلی تفکر نقاد مواجهه ارزیابانه با مسئله هایی است که وجود دارد. یعنی نپذیرفتن فوری موضوعات به همان صورتی که می پذیریم. چون یکی از دشواری هایی که در فضای کلی جامعه، به ویژه در جامعه امروز وجود دارد این است که گزاره ها، اطلاعات، اخبار فراوان درباره مسائل مختلف به واسطه گسترده شدن اینترنت وجود دارد. در گذشته چون معلومات افراد و گزاره ها کمتر بودند راحت تر اخبار موجود را می پذیرفتند. انگار در گذشته تولید گزاره های نادقیق و جعلی خیلی آسان نبود. ولی امروزه آسان است، حجم وسیعی از حرف ها، ادعا ها، گزاره ها درباره ابعاد مختلف زندگی وجود دارد و خیلی از مواقع افراد مستأصل میشوند که چه کاری باید در برابر حجم وسیعی از داده هایی که وجود دارد انجام دهند.

یکی از گونه های فکر کردن که به ما کمک میکند مواجهه استدلالی و ارزیابانه در برابر موضوعات داشته باشیم، شاخه ایست که در ذیل ابعاد تفکر قرار میگیرد و آن تفکر نقاد می باشد. البته این تقسیم بندی صوری یا نسبی است برای فهمیدن تفکر.

#### ساختمان برابر با یک آجر نیست!!

در طول زمان برخی چیزها باهم جا به جا شده و ما فکر میکنیم اگر معلوماتی را به ذهن بسپاریم ادم متفکری هستیم. در خیلی از مواقع انسانی با معلومات زیاد، با ادم متفکر اشتباه گرفته شده است. در نظام آموزشی ما هم قرار بر همین امر است؛ یعنی دانشجویها و استادان و معلم ها خیلی از مواقع داشتن اطلاعات را جایگزین متفکر بودن میکند و با آن اشتباه میگیرند در حالی که چنین نیست، داشتن معلومات، الزاما ما



مصاحبه کننده: فاطمه محمدی





خب باید انجامش بدهم!! این تفکر من چه فایده ای دارد که فقط به نتیجه رسیده باشم که این کار خوب است یا نه اما عامل به آن نباشم؟

### تفکر مراقبتی؛ همراه همیشگی تفکر نقاد!

تصور کنید ما در جامعه خودمان از وضعیت محیط زیست و وضعیت اقتصادی شکوه میکنیم در عین حال خودمان هم جزیی از نابسامانی هستیم. مثلا میگوییم گرانی هست خب چرا ما نقشی در کاهش گرانی ایفا نمی کنیم؟! یا اینکه میگوییم چرا محیط زیست ما الودگی دارد و... ما به عنوان فرد، خودمان چقدر در تولید این آلودگی نقش داریم؟ در اینجا تفکر مراقبتی به کمک تفکر نقاد می آید یعنی نقد همراه با انجام دادن باشد.

### تفکر به مثابه یک مهارت؛ چرا و چگونه؟

ما هنوز به دلیل اطلاعات غلطی که از شیوه های سنتی در ذهن داریم تصور میکنیم که تفکر و انواع آن را میتوانیم یاد بدهیم، در صورتی که تفکر نوعی مهارت است چیزی همانند به فوتبال که اگر شما ساعت ها راجع به فوتبال با کسی صحبت کنید، آن فرد در پایان به فوتبالیست ماهری بدل نخواهد شد. تفکر نقاد و سایر تفکرات هم همینگونه هستند؛ گفتنی و خواندنی نیستند که اگر ما کتابی درباره تفکر نقاد در اختیار دانشجو قرار بدهیم و بعد انتظار داشته باشیم که فردی منتقد بشود، این امر اتفاق نمیافتد. تفکر مهارت است و باید انجامش داد. جدیدترین مواجهه با تربیت و یادگیری میگوید یاد گرفتن به وسیله انجام دادن باید صورت بپذیرد. بنده زمانی میتوانم نقادی بکنم که عملا نقد کنم، در محیط آموزشی و در کلاس درس فضایی ترتیب داده شود، که ما ماهرانه یک دیگر را نقد کنیم. ما هنوز ساده ترین عنصر های تفکر نقاد را نمیشناسیم و به کارگیری چنین عنصرهایی در نظام آموزشی و دانشگاهی ما وجود ندارد و در نتیجه توانایی تشخیص ساختار یک گفته را نداریم.

مثلا شما سخنی را می گویند و من از شیوه های نقد کردن اطلاعی ندارم و نمیدانم که با چه روشی باید حرف شما را نقد کنم؟ ما تصور میکنیم به همان اندازه که سریع بگوییم نه من حرف شما را

را آماده و ماهر نمیکند که فکر کنیم. بله معلوماتم میتوانند مواد فکر را فراهم کنند ولی برابر با فکر کردن نیستند. همان طور که یک ساختمان برای ساخته شدن به آجر هم نیاز دارد ولی ساختمان برابر با آجر نیست. هدف نظام های آموزشی چیز دیگری بوده ولی مسیری اشتباه را پیموده است...

### تفکر انتقادی یا نقادی کردن، چیزی غیر از تفکر؟!

بنده معتقدم اگر ما تفکر را پرورش بدهیم، بعد خلاق و نقاد و یک بعد دیگر که ما به او افزودیم هم به آن اضافه میشود. در عین حال میخواهیم بگوییم که فکر کردن برابر با صرف نقادی کردن نیست. نقادی کردن یا تفکر انتقادی بعد مهم تفکر محسوب میشود اما در عین حال برابر با آن نیست. به چه منظور این را میگوییم؟ به سبب این که منظور ما از تفکر نقاد یا اینکه وقتی می گوئیم آن فرد، فرد نقادی است اشتباه گرفته شد!! نقاد به عنوان یک چاقو یا یک ابزار تلقی شد. در نتیجه استفاده نامناسبی از آن شد؛ یعنی ما فکر کردیم این ابزاری است که ما به هر عقیده ای که رسیدیم، ردش کنیم، قبولش نکنیم و جلوی هر کسی بایستیم حالا آن فرد میتواند پدر مادر، استاد و... باشد. بعدها مشخص شد که این هم به تتهایی کارا نیست. به همین منظور در برنامه که شما هم احتمالا اسم آن را شنیدید تحت عنوان برنامه فلسفه برای کودکان (فبک) سه نوع تفکر با هم نگریسته شد: تفکر خلاق، تفکر نقاد و تفکر مراقبتی.

تفکر مراقبتی به کمک تفکر نقاد می آید، یعنی اینکه ما نقادی به صرف نقد کردن نمی کنیم که فقط نشان بدهیم، من ماهرم. مثلا تصور کنید که یک رزمی کار ورزش را فقط به سبب اینکه بگوید من ورزشکارم انجام ندهد یعنی به هر کس که رسید یقه اش را بگیرد و کتک کاری کند. خب نقادی خودش فی النفسه کافی نیست؛ بلکه ما باید ببینیم که برای چه میخواهیم نقادی بکنیم و چگونه باید نقادی کنیم، بعد خودمان عامل آن نقد باشیم.

در تفکر هم که شامل ابعاد تفکر هم میشود، من میگویم که عامل بودن به آنچه می اندیشید مهم است. برای مثال اگر من خیلی فکر کرده باشم و به این نتیجه رسیده باشم باشم که فلان چیز خیلی خوب است،







یک، دیگر مدرسه بر معلومات استوار نیست؛ یعنی به جای اینکه در درس ریاضی، علوم، ادبیات و هنر معلومات را به دانش آموز بدهیم مهارت های اندیشیدن در هر حوزه را به او بدهیم.

اندیشیدن ریاضی، اندیشیدن علمی و اندیشیدن ادبی. زمانی که اینگونه شد آن نظام آموزشی دیگر حافظه محور نیست بلکه مهارت محور است؛ در نتیجه آن سبک امتحان، محتوا، نحوه عمل معلم عوض میشود. پنج تا هدف کلی رویکردی که ما به آن فلسفه برای کودکان میگوییم محتوا روایتی-داستانی است نه معلوماتی. نقش معلم هم عوض میشود، حتی مدل نشستن و روش آموزش، شیوه امتحان همه این چیزهایی که الان در نظام آموزشی درد است آنجا به شیوه دیگری است

### در فیک، معلم یک تسهیل گر است نه علم آموز!

معلم دیگر معلم نیست یعنی معلومات آموز نیست. علم آموز نیست بلکه تسهیل گر است؛ یعنی فرآیند اندیشیدن را در کودکان تسهیل می کند نه اینکه به آنها معلومات بدهد. این به آن معنا نیست که معلومات به کل کنار می روند. معلومات در کنار داستان قرار دارد در کتاب ها و کتابخانه ها گوگل هستند و هر دانش آموز ممکن است که برای کاوشگری به منابع مختلف سر بزند.

### کاوشگری در فیک

مدل فلسفه برای کودکان مدل کاوشگری است در هر کدام از موارد مثال زده مانند ریاضی و علم و هنر و جغرافیا، بچه ها پژوهش می کنند و قطعاً برای پژوهش آن به منابع پژوهشی هم مراجعه می کنند کتاب ها، آدم ها، درخت ها، حیوانات و ... می توانند منبع پژوهش باشند و حتی خود شاگردان هم می توانند منبع پژوهش باشند. به همین دلیل مدل نشستن بچه ها و مدل آموزش هم فرق می کند. مدل کلاس گوش دادن به یک نفر نیست، همه با هم استدلال می کنند و بحث می کنند و به طور مدام کاوش می کنند.

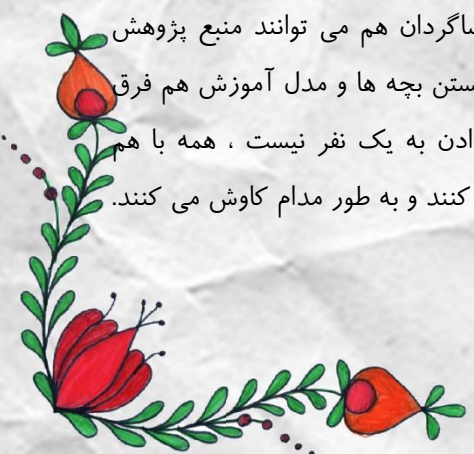
قبول ندارم! یعنی نقد کرده ام. خب حرف من چه بود، ادعا و مسئله اصلی مطرح شده من چه بود؟؟

ما به این مباحث آگاهی نداریم. یعنی حتی اگر به مردم بگوییم که این شخصی که چند دقیقه ای را به صحبت با آن گذرانده اید، ادعای اصلی گفته هایش چه بود، نمیتواند بگویند در حالی که با گفته های آن شخص مخالف هم هستند .. وقتی اطلاعی از ایده آن فرد ندارم چگونه میتوانم آن را نقد کنم یا با آن به مخالفت پردازم؟ ما از این موضوعات اطلاعی نداریم و در ساختار درسی ما هم وجود ندارد و با همه این ها مدعی میشویم که در حال تفکر نقادانه هستیم!

بنابراین در نظام علوم تربیتی به ویژه در رشته های علوم تربیتی، انتظار بیشتری می رود که تفکر کنند اما متاسفانه این چنین نیست.

همانطور که گفتید تفکر یک نوع مهارت است مهارت هم وقتی از کودکی شروع شود و به سمت بزرگسالی برود فرد تصمیم های بهتری میگیرد و در جامعه مسئولیت پذیر تر می شود. ما می خواهیم این تفکر و استدلال کردن را در کودکان ایجاد کنیم. چه عواملی میتواند کمک کننده باشند؟ و چه ساختاری باید برای کودکان در نظر گرفته شود که بتوانند متفکر بار بیایند و بتوانند مهارت را به دست بیاورند؟!

ما مدل پیشنهادی خودمان را داریم آن مدلی که من و سایر دوستان ۵۲ ساله که در آن کار می کنیم، مدل فلسفه برای کودکان است. این مدل صرفاً یک روش و یک فن نیست بلکه یک رویکرد به کل نظام آموزشی است و معتقد است که من میتوانم جای نظام آموزشی بنشینم تا همه دروس به این شیوه آموزش داده بشوند. دروسی همچون ریاضی و علوم و هنر و ادبیات به شیوه فلسفه برای کودکان در این رویکرد چند مسئله اساسی عوض میشوند:





## ما در پرورش تفکر شکست خورده ایم...

من به جرعت به شما میگویم که هیچ راهی برای نجات نظام آموزشی ما نیست، مگر اینکه روش مرسوم موجود را کنار بگذاریم. ما معتقدیم مدل فلسفه برای کودکان رواگوست ولی حتی اگر بخواهیم مدل دیگری را هم بیاوریم به هر حال با این مدل موجود ما آدم را متفکر بار نمی آوریم. این یک دشواری بزرگ است به نظر من نظام آموزشی ما در پرورش تفکر شکست خورده است، نظام آموزش عالی ما همچون دانشگاه ها هم کم و بیش این دشواری را دارند. مدل فلسفه برای کودکان هدف های متفاوتی را پیگیری میکند که نظام آموزشی ما هیچ کدام از آنها را پیگیری نمیکند. اهدافی اساسی مانند پرورش توانایی استدلال و پرورش درک اخلاقی نه دادن آموزه های اخلاقی، پرورش خلاقیت و رشد توانایی های فردی و میان فردی. من همیشه سوالم این است که وقتی دانش آموزی مدرسه را تمام می کند چه توانایی هایی در فضای مدرسه کسب کرده است؟ دانش آموزان حتی نوشتن و خواندن هم بلد نیستند آنها روخوانی و رونویسی را بلدند اما اگر یک کتاب به دست او بدهید، بلد نیست که چگونه باید این کتاب را بخواند به جز اینکه از اول کتاب شروع کند و تا به انتها آن را بخواند ولی نمی داند که در این خواندن دنبال چه چیزی باید بگردد؟ الان در روزهای امتحان دانشجویان مدام به دنبال این هستند که استاد حجم مطالب کتاب را کم کن، استاد چه مبحثی می آید چه مبحثی نمی آید. اگر آنها خواندن بلد باشند به دنبال این چیزها نیستند. اینها باید در مدرسه یاد داده شود که متأسفانه یاد داده نشده است.

**پس در واقع ما نیاز به اصلاح نظام آموزشی نداریم. نیاز داریم که کل ساختار نظام آموزشی را عوض کنیم. چه موانعی وجود دارد که ما نمی توانیم این رویکرد را در کشورمان اجرا کنیم؟**

به این دلیل که نمی شود این حجم را به این گستردگی جابجا کرد.



بنابراین ما اصلاح را رد نمی کنیم بلکه نظام آموزشی را تحت فشار قرار می دهیم تا آرام آرام تعمیر بشود تا یک روزی شاید آن کشتی کشتی دیگری بشود که شکلش همان است اما تمام قطعاتش تغییر پیدا کرده است. اما موانع اش بسیار است موانعی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، تخصص و خیلی چیزها است. برای مثال نظام امتحان و کنکور بر فضای فرهنگی جامعه ما حاکم است که اگر بخواهیم این نظام جدید را بیاوریم، کلیه ساختارها باید تغییر کند و این کاری آسان نیست. تغییر جامعه را دچار شوک می کند. ما نیاز به بازآموزی معلمان داریم. بازآموزی این حجم از معلمان به شرطی که آنها راضی بشوند هزینه زیادی می برد. محتوای تازه متخصص هم می خواهد. والدین باید درک را به دست بیاورند درحالی که والدین نمره و امتحان و کنکور دانش آموز را می شناسند.

به هر حال بحث فرهنگی و ایدئولوژیک هم هست چون فرهنگ ما مطیع پرور است و مدل فلسفه برای کودکان که آدم را نقاد و متفکر و خلق و پرسشگر بار می آورد ممکن است برای والدین و سیاست گذاران و مدیران خوشایند نباشد

ولی به هر حال اگر می خواهیم جامعه ما رشد کند و توسعه پیدا کند و ما از این فلاکتی که الان در آن زیست می کنیم رهایی پیدا کنیم، هیچ راهی به جز تحول در نظام آموزشی مان نداریم.

## آدم باشید؛ توصیه دکتر قائدی به معلمان حال و آینده!

آدم باشید! من همیشه می گویم دانشجویهای علوم تربیتی دنبال فرهنگ های عمومی دانشجویی درس نخوانی نروند. کتاب بخوانند، رمان بخوانند، چیزی بنویسند. یعنی دانشجو که قرار بوده فرهنگ را جهت دهی بکند، خودش دنباله رو فرهنگ عقیم و نابارور شده است. باید کتاب خواند، باید فعال و کنشگر بود، باید در انجمن ها بود. این زمان هایی که الان شما دارید بعدها ندارید این حجم از وقت خالی که الان دارید بعد ها ممکن است نداشته باشید اگر این



## علوم تربیتی خوان ها! برای خودتان شان قائل شوید...

بعضی ها در علوم تربیتی پذیرفته اند که خودشان هم ضعیف هستند و این فاجعه است! زمانی که ما دانشجو بودیم، با قوی ترین آدم ها حتی در اروپا هم می جنگیدیم به جهت اینکه ما مهم هستیم. برای خودمان شان قائل شدیم و متناسب با همان شان من اینجا ایستاده ام. اگر من آن شان را برای خودم قائل نبودم الان اینجا نبودم...



جمله هایی مانند حالا کی به ما کار میده حالا چه فایده داره باعث بشه که شما درس نخوانید، فشار به استاد ها که به شما نمره بدهند و امتحان را آسان بگیرند. شما را به جایی نخواهند رساند.

## راه خود را بروید؛ موفق خواهید شد!

من میگویم هر دانشجویی راه خودش را برود موفق است. من کسی بودم که راه شخصی خودم را رفتم، به حرف هیچکس هم گوش ندادم. فکر کردم اگر من به رشته علوم تربیتی آمده ام، باید علوم تربیتی را بفهمم. بنابراین درس و کتاب میخواندم. کاری نداشتم که آیا در امتحان می آید یا نمی آید، نمره می دهند یا نمی دهند. برای خودم میخواندم. به هر حال قرار بود من لیسانس علوم تربیتی بگیرم. دانشجو باید ادراک داشته باشد. مهم نیست که استاد نصف کتاب را حذف کرده باشد، من آن بخش حذف شده را هم میخوانم! بنابراین اگر کتاب ۱۱۰ صفحه بود من آن را می خواندم و حتی کتاب اضافه در همان حوزه را هم می خواندم.

از همان موقع فکر میکردم که یک جای کار می لنگد. من راه خودم را رفتم، کار خودم را کردم مبارزه خودم را کردم بعدا هم که تدریس کردم به شیوه خودم تدریس کردم یعنی با جهان به شیوه خود مواجه شدم. اگر ما شیوه مرسوم را نقد می کنیم، دست کم شما به یک شیوه جدید فکر کن!

## تغییر می خواهیم؟ خودمان کاری انجام دهیم!

نمی شود هیچ کاری هم نکنیم. آن موقع نمی شود هیچ نظامی را درست کرد. یعنی من واقعا از دانشجو این انتظار را دارم. از هر رشته ای در علوم انسانی بیشتر دانشجویهای علوم تربیتی نقش خیلی مهمی دارند. چرا که شما با یک کار بسیار حساس و مهم در آینده سر و کار دارید. آموزش دادن فرزندان این مملکت! هرچه شما ضعیف تر باشید فرزندان این سرزمین هم ضعیف تر خواهند شد. شما از علوم اجتماعی از پژوهش از همه رشته ها رشته تان مهم تر و اساسی تر و جدی تر است و شما متناسب با این شانی که دارید باید آن را جدی بگیرید.





## معرفی کتاب‌های فلسفی



گردآورنده و نویسنده: فاطمه محمدی

### توضیحات کتاب در کتاب باهم زندگی کردن یعنی چه؟:

شش سوال اساسی مطرح شده است تا کودکان تشویق شوند ایده‌های خود را با مهارت به کار گیرند و فراتر از ظواهر را ببینند.

۱. آیا همه باهم برابریم؟

۲. آیا باید همیشه با دیگران موافق باشی؟

۳. آیا همیشه برای باهم زندگی کردن به رئیس و قوانین احتیاج داریم؟

۴. آیا همه باید کار کنیم؟

۵. آیا دوست داری تنها زندگی کنی؟

آیا باید همیشه به دیگران احترام بگذاری؟

کودکان فیلسوف مجموعه‌ای است برای آشنایی و نوآوری در رویارویی با سوال‌های مهمی که کودکان درباره‌ی خود، زندگی و جهان هستی از خودشان می‌پرسند. این کتاب‌ها هم‌چنین می‌تواند مورد استفاده‌ی بزرگ‌سالانی قرار گیرد که بیشتر دوست دارند به جای بیان پاسخ‌های همیشگی به کودکان، با آن‌ها به گفتگو و تبادل نظر پردازند.

کودکا فیلسوف

نویسنده  
اسکار برنی فیه

باهم  
زندگی کردن،  
یعنی چه؟

تصویرگر  
فردریک پناکلیا





## توضیحات کتاب نافل بانی؛ ویژه کلاس های آموزش فلسفه برای کودکان

دختر کوچولویی که هنوز نمی‌تواند صحبت کند، همراه پدر به لباسشویی عمومی می‌رود تا لباس‌های چرک را بشویند. او خرگوش پارچه‌ای‌اش، نافل بانی را همراه خودش می‌برد. همه چیز خوب پیش می‌رود تا این‌که تریکسی در راه خانه متوجه می‌شود که نافل بانی نیست.

کودکان خردسال به راحتی با تریکسی هم‌ذات‌پنداری می‌کنند و از شنیدن داستان و دیدن تصاویر کتاب «نافل بانی» لذت می‌برند. این داستان در سال ۲۰۰۵ از سوی داوران جایزه کلدکات ستایش شده است.

داستان «نافل بانی» که به مسئله زبان و ارتباط می‌پردازد. در کلاس‌های فلسفه برای کودکان استفاده می‌شود.

### نافل بانی؛ آموزش فلسفه زبان

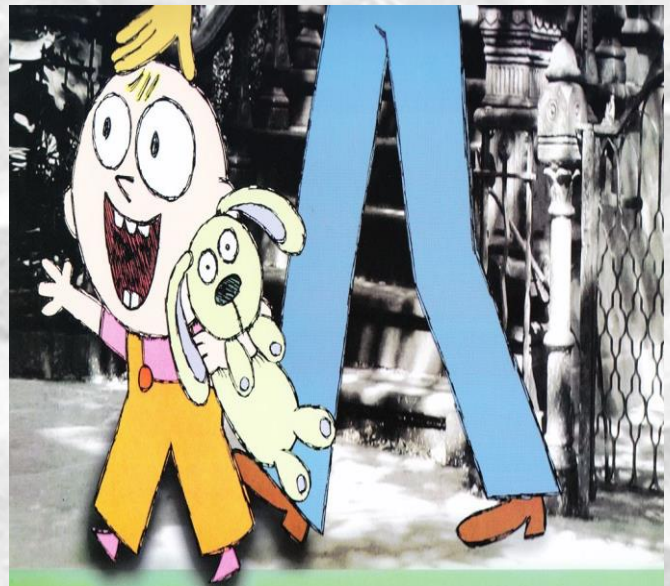
تا قرن بیستم میلادی، زبان حوزه مهمی از تحقیقات فلسفی به‌شمار نمی‌رفت. علت آن بود که از نظر بسیاری از فیلسوفان تفکر در ذهن روی می‌دهد و زبان صرفاً وسیله‌ای است برای انتقال ایده‌هایی که انسان‌ها از قبل در ذهن‌شان تنظیم کرده بودند. زبان آن‌گونه که فیلسوفان دوست دارند تعبیر کنند، شفاف است و شبیه شیشه عمل می‌کند بدین صورت که اجازه می‌دهد ایده‌ها و افکار عبور کنند بدون آن‌که ردی از خود به‌جای بگذارند.

در قرن بیستم تغییری اساسی رخ داد، زیرا فیلسوفان کم‌کم زبان را ایفا کننده نقشی حیاتی در تولید افکار تلقی کردند و نه فقط واسطه‌ای شفاف برای انتقال آن‌ها. فیلسوفان قرن بیستم موضوع‌های فلسفی سنتی را اغلب به سوال‌هایی درباره زبان تبدیل کردند.

هر عنوان از مجموعه‌ی کودکان فیلسوف شامل شش سوال اساسی است که در صفحات دوتایی و روبه‌روی هم قرار دارند و به وسیله یک نوار رنگی مشخص شده‌اند. کودکان فیلسوف به کودکان کمک می‌کند تا روش تفکر خود را پرورش دهند و آن‌ها را در یادگیری نحوه‌ی سوال کردن درباره‌ی خود، زندگی، جهان و ماورای ظواهر راهنمایی می‌کند.

کودک می‌تواند از میان پنج یا شش جواب احتمالی که هر سوال به آن‌ها می‌رسد یکی را انتخاب کند (همان عبارت اول شخص که در ابتدای صفحات دوتایی آمده است) هر جواب به سه یا چهار سوال جدید منجر می‌شود و وضعیت مطرح شده در هر سوال به وسیله شخصیت‌های کوچکی که آن را نمایش می‌دهند به تصویر کشیده شده است.

به دنبال پاسخ‌های دوصفحه‌ای یک نتیجه‌گیری راه‌های بررسی شده به وسیله‌ی پاسخ‌ها را جمع‌بندی می‌کند و یک راه‌حل (فرضیه) عملی و معقول توصیه می‌کند.



## نافل بانی

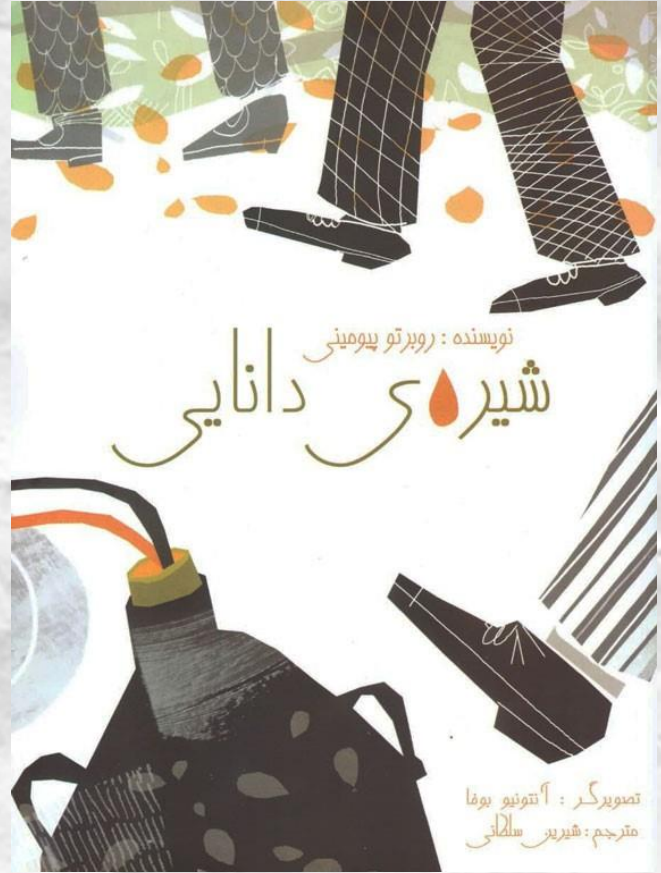
ویژه‌ی کلاس‌های آموزش فلسفه برای کودکان

نویسنده و تصویرگر: مویلیز  
ترجمه: فرزانه شهرناش، حسام سجانی طهرانی





کتاب «شیره ی دانایی» داستانی با بن‌مایه‌ی تفکر فلسفی است؛ داستانی خیالی درباره‌ی دانایی، چگونگی گسترش آن در جهان و حتی دلیل نادان ماندن برخی افراد! روبرتو پیومینی، نویسنده‌ی این کتاب، خوب بلد است که کودکان را به فکر وادارد.



### توضیحات کتاب شیره دانایی:

بچه‌ها تصورات متفاوتی درباره‌ی دانایی دارند. بعضی بچه‌ها فکر می‌کنند که دانایی بالای بلندترین کوه دنیا است که برای رسیدن به آن و پیدا کردنش باید کلی راه رفت. بعضی‌ها فکر می‌کنند دانایی را باید از جایی خرید و شاید بعضی از آن‌ها هم مثل اهالی شفوزان فکر می‌کنند «شیره ی دانایی» از آب هزاران نارنگی در چین گرفته می‌شود! بله، داستان از این قرار است که مردم شفوزان از دست نادانی حاکمان‌شان خسته شده‌اند. برای همین هم سه نفر را مأمور می‌کنند که به سرزمین چین بروند و آب هزاران نارنگی را بگیرند و بریزند توی کوزه‌ای بزرگ و با خود بیاورند، بلکه با نوشیدن آن حاکمان‌شان دانا شوند. درست است که این ماجرا عجیب‌وغریب است؛ اما عجیب‌وغریب‌تر از این‌ها اتفاقی است که توی راه برای سه تا فرستاده می‌افتد و کوزه‌ای که ...





# مدارس نوین، میرزای رشديه:





### میرزا، پیشگام در ایجاد مکانی برای کسب تعلیم و تربیت

میرزا حسن تبریزی (زاده ۷ فروردین ۱۲۳۹ در تبریز) مشهور به رُشدیه از پیشقدمان نهضت فرهنگی ایران در سده قبل بود. وی نخستین مؤسس مدارس جدید در تبریز و دومین مدرسه در تهران (بعد از دارالفنون) بود، او را پدر فرهنگ جدید ایران نامیده اند. وی در سال های جنبش مشروطه، در میان اعضای انجمن باغ میکرده قرار داشت.

حاجی میرزا حسن رشدیه با توصیه و مشورت پدرش که از روحانیان بود تصمیم گرفت که به جای رفتن به نجف و خواندن درس طلبگی روانه استانبول و مصر و بیروت گردد و آموزگاری نوین را یاد بگیرد. هنگام بازگشت ناصرالدین شاه از سفر فرنگ، رشدیه طرح های آموزشی خود را ارائه کرد و شاه او را مأمور کرد که به ایران آمده و همین سبک را در شهرهای ایران راه اندازی کند. رشدیه همانند سایر شاگردان شیخ هادی نجم آبادی در سال های پیش از انقلاب مشروطه نیز تکاپوهای سیاسی داشت. یکی از فعالیت های وی نوشتن شب نامه و پخش آن در تهران بود. زمانی که به سبب یکی از این تکاپوها مورد خشم حکومت قرار گرفت با بست نشینی در منزل شیخ هادی، از مجازات رهایی یافت. وی تألیفات متعدد دارد از جمله: *بدایةالتعلیم* (نهایةالتعلیم وطن دیلی) (به ترکی آذربایجانی) (تاریخ شفاهی شرعیات ابتدایی، جغرافیای شفاهی و غیره در بیدار کردن مردم از هیچ کوششی فروگذار نمی کرد و در این رابطه روزنامه «مکتب» را در سال ۱۲۸۴ خورشیدی و روزنامه طوفان را در سال ۱۲۸۷ در انتشار داد و مقالات ضد استبدادی و ضد استعماری نوشت. ملاقات ناکام با ناصرالدین شاه، شاه سست رای پس از چهار سال اقامت و مدیریت مدرسه مذکور در ایروان، ناصرالدین شاه که از سفر دوم فرنگستان به ایران مراجعت م یکرد، از ایروان می گذشت و رُشدیه در مسیر حرکت شاه چادری از طرف مدرسه بر پا کرد و شاگردان را با لباس متحدالشکل در صف منظمی در دو طرف چادر قرار داد. به محض رسیدن شاه شاگردان برای وی ابراز احساسات کردند. شاه توجه اش به این رویداد جلب شد، و پرسید: اینها کیستند؟ ملازمین شاه اظهار داشتند که این یک مدرسه ایرانی است که در اینجا به وسیله یک نفر ایرانی به نام میرزا حسن تاسیس شده است. شاه ابراز تمایل کرد که تشکیلات



مدرسه را ببیند. به همین منظور پیاده شد، رشدیه هم که قبلا چنین عملی را پیش بینی کرده بود خطابه ای ایراد کرد. شاه به داخل مدرسه وارد شد و تشکیلات را مورد بازدید قرار داد و در هر مورد رشدیه توضیحات لازم را به آگاهی شاه قاجار می رسانید.

### تاسیس اولین دبستان در تبریز:

رشدیه پس از مدتی به ایران و تبریز باز می گردد. وی پس از ورود به تبریز و دیدار خانواده نخست عده ای از اقوام باسواد خود را گرد آورده و طرز تدریس اسلوب جدید خود را به آنان آموخت و به نام خدا اولین مدرسه (دبستان) را در سال ۱۳۰۵ هجری قمری در محله ششکلان در مسجد مصباح الملک تبریز تاسیس میکند. رشدیه در این مدرسه مقیم در مسجد، برای هدایت و تعلیم کودکان هموطن خود آنان را به خانه خدا دعوت کرد و با اسلوب تدریس الفباء جدید آنان را در مدت ۶۰ ساعت خواندن و نوشتن آموخت. به یاری خداوند امتحانات اولین مدرسه در آخر سال در حضور علما و اعیان و بزرگان تبریز با شکوه خاصی برگزار می شود.

### رویارویی خستگی ناپذیر با پاسبانان کهنه پرستی:

رشدیه پس از شش ماه به تبریز بازگشت (زمانی که رئیس السادات مرده بود). وی برای بار دوم مدرسه را در مجله بازار دایر کرد و توانست مجددا با اتخاذ روش و اسلوب ساد های علاقمندان فرهنگ و معارف جدید را به سوی خود جلب کند و آنان را برانگیزد که برای تعلیم و تربیت نسل آینده و بیداری آنها با او هم عقیده و هم آواز شوند و برای ترقی سطح افکار عمومی و عطف توجه مردم به دنیای متمدن و ترقی های شگرف اروپائیان و آگاهی به اصول تعلیم و تربیت صحیح با او همکاری کنند.

ولی در این احوال مخالفین نیز لحظه ای آرام نمی نشستند و پیوسته روحانی نمایان را بر می انگیزند که علیه او قیام و او را تکفیر نمایند.

رُشدیه پس از چندی باز به تبریز بازگشت و برای سومین بار مدرسه را در محله چرندآب تاسیس کرد. باز هم پیشرفت و ترقی شاگردان مایه تمجید و تحسین همگان قرار گرفت و شهرت او در





تبریز زبانزد مردم شد. متأسفانه این بار طلبه های علوم دینی مدرسه صادقیه به تحریک مکتب داران نادان و کهنه پرست که منافع نامشروع خود را در خطر جدی می دیدند و می دانستند که بیداری مردم باعث فرو ریختن بساط عوام فریبانه آنان می گردد، در حالی که حتی حاضر نبودند دست از روش تدریس غلط خود برداشته و روش تدریس جدید را جایگزین آن نمایند، به مدرسه ریخته به غارت آن پرداختند.

### تخریب مدرسه:

ولی مخالفان و منتقدان بیکار ننشسته با تحریک یکی از عالمان سنتی که در جلسه امتحان آخر سال حضور داشت و از پیشرفت شاگردان در شگفت شده بود، بودن مدرسه را «خلاف شرع» اعلام کردند. چون از آن عالم علت را خواستند، گفت نوباوگانی که به این سرعت و سهولت مطالب به آن بزرگی را فرا می گیرند، مسلماً بعدها از دین برخوردارند گشت و احتمالاً به کُفر روی خواهند آورد.

با این فتوی عده ای از مسجد علی آقایزدی برای تخریب مدرسه حرکت کردند. رشديه با تجربه قبلی که در این مواقع داشت برای آن که شاگردان صدمه ای نینند فوراً آنان را از مدرسه دور ساخت و خود و مدعوین به پشت بام دارالفنون که روبروی مدرسه بود رفتند، تا هم از گزند مهاجمان خشمگین در امان باشند و هم به تماشای تخریب مدرسه بنشینند و...

میرزا حسن تبریزی، پدر آموزش و پرورش نوین ایران





## زندگ تفریح:

تجربه های یک دبیر در رویارویی

با مسائل تربیتی-آموزشی دانش آموزان



مصاحبه کننده: فریما طالبی

با خوشحالی و ذوق به کلاس میروم ولی اگر بچه هایی باشند که برای اولین بار آنها را میبینم خیلی کم استرس میگیرم ولی همین که کلاس میروم و روی بچه هارو میبینم آرامش میگیرم. برخورد خودم همیشه با روی باز و خوشحالی ست و معمولا با لفظ سلام دخترای خوشگلم، دخترای عزیزم و... شروع میکنم چون عمیقا بچه هارو دوست دارم.

۴. یکی از مواردی که برای همه ی بچه ها مهمه و خیلی براشون اهمیت داره اینه که شما در اولین روز از سال تحصیلی به چه کاری مشغول میشید؟ (یعنی اولین جلسه رو به گفتگو و آشنا شدن با بچه ها میگذرونید یا تدریس)

حتما اولین روز با معارفه شروع میشه و بچه ها خودشونو معرفی میکنند.

۱. سلام حالتون خوبه؟ لطفا خودتون رو معرفی کنید.

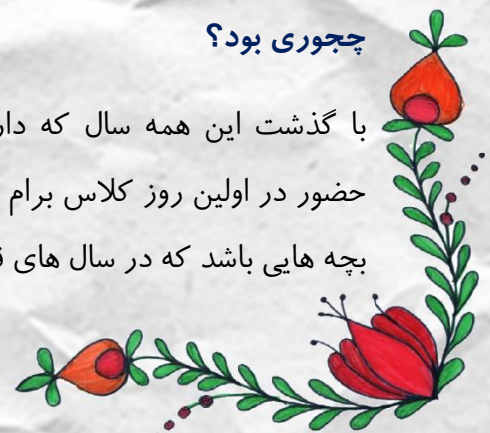
سلام عزیزم ممنون بنده فرزانه گوهری هستم، دبیر ادبیات فارسی استخدام شهریور ۱۳۵۷

۲. شما چند سال سابقه ی تدریس دارید و چه درسی رو تدریس میکنید؟

۲۴ سال سابقه خدمت دارم و درس ادبیات فارسی رو تدریس میکنم

۳. اولین روز سال تحصیلی و مواجهه شما با بچه هایی که شناختی از شما نداشتند؛ برخورد شما تو اولین روز چجوری بود؟

با گذشت این همه سال که دارم معلمی میکنم ورود و حضور در اولین روز کلاس برام کمی استرس زاست. اگر بچه هایی باشد که در سال های قبل با آنها کار کرده باشم





معلمش مشاور تحصیلی فرد که نیستم. اما به طور بارز بچه هایی که از لحاظ عاطفی و اجتماعی و... مشکل دارند در کلاس خودشو نشون میده. معمولا یا منزوی هستند یا در درس عملکرد ضعیف دارند. برای من هم پیش اومده دیدم دانش آموزی رو در کلاس که با بقیه فرق داره حواس پرت، گوشه گیره و... موارد اینجوری را از مدیر پرس و جو میکنم که علتش چیه؟

**۱.۷. آگاه دانش آموزی اوضاع عاطفی خوبی در خانه و خانواده نداشت (مثل طلاق پدر و مادر) با اون چگونه برخورد میکردید؟**

معمولا سعی میکنم به عنوان مشاور ورود نکنم زیرا در تخصص من نیست ولی اگر کمکی از من بخواهند از آنها دریغ نمیکنم. و سعی میکنم حواسم به آنها باشد.

**۱.۸. شما بیشتر به مسائل پرورش توجه داشتید یا آموزش؟ نظرتون رو در مورد این موضوع بیان کنید.**

البته که تمرکز من آموزشه، اما هر وقت مورد اخلاقی و ضد اخلاق در کلاس باشه گج و تخته رو رها میکنم و به آنها میگم حتی اگه نمره بیست بگیرین ولی نتونین به عنوان یه شهروند سالم و انسان فرهیخته در جامعه قرار داشته باشین شما انسان موفقی نیستید. معمولا در مورد

این موضوع که اصلی ترین وظیفه ی آموزش و پرورش رو آماده کردن انسان های سالم برای زندگی در جامعه میدونم. اگر در این زمینه کوتاهی کنیم حتما دچار مشکل میشیم. بارها من درس رو رها کردم و به مسائل اخلاقی

بستگی به شرایط کلاس داره چون من در مدارس تیز هوشان دیدم که بچه ها از روز اول میخواهند وقت به هدر نرود اما در مدارس عادی بچه ها ترجیح میدهند درس داده نشود. ولی من در هر صورت همه ی وقت کلاس را به معارفه نمیدهم. مرور درس سال پیش را به صورت گروهی با بچه ها انجام میدهم و پیش زمینه یی از درس هایی که قرار است یاد بگیرند میدهم.

**۱.۵. تو این چندسال با دانش آموزی مواجه شدید که خیلی زیاد سوال بپرسه و به طور کلی فرد پرسشگری باشه؟ آگاه آره شما در برخورد با اون دانش آموز چه واکنشی نشون میدادید؟**

بله مخصوصا تو مدارس خاص مثل تیزهوشان دقیقا این مورد را در کلاس داشتم و سعی میکردم به همه ی سوالات رو پاسخ دهم اما اگر میدیدم بقیه اذیت میشوند به او میگفتم در زنگ تفریح بقیه ی سوالات رو بپرسه .

**۱.۶. تو این مدتی که تدریس کردید بیشتر با چه نوع دانش آموزی از چه سطح خانواده هایی مواجه شدید؟**

از نظر کلی سطح اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و ... همه جور خانواده هایی هستند و معمولا بچه هایی که در خانواده مشکل دارند معمولا در کلاس بروز میکند.

من حقیقتش خیلی به اینکه بعضی همکار های من کاغذ میدن و میگن بنویسین مادر و پدرتون چیکارس رو انجام نمیدهم. معمولا این اطلاعات را از بچه ها نمیگیرم چون فکر میکنم بچه شاید نخواد این هارو به من بگوید. چون من





داشتند و بچه ها دید منفی به معلم ها پیدا کردند. اتفاقا برخلاف خیلی ها من با کنکور موافقم. مخصوصا با این شیوه ایی که الان هست خیلی از دانشگاه ها بدون کنکور بچه ها میتونند برن ثبت نام کنند. اما دانشگاه های تاپ و درجه یک حتما باید یه کنکوری باشه. بنظر من هر روشی بجز کنکور باشه عادلانه نیست. حتی همین امتحان نهایی، من به عنوان معلم شاهد بودم که در حوزه تصحیح اوراق نهایی میان اعلام میکنند که سخت نگیرین و نمره هفت رو ده بدین. ممکنه در شهری این گونه باشند و در شهر دیگری سختگیرانه باشد. پس عادلانه نیست. بنظر من یک مرجعی باشه ماشین حساب کنه و دست آدم در کار نباشه. من اینو بیشتر قبول دارم.

## ۹. شما بیشتر در تدریس خودتون از چه روشی استفاده میکردید؟ آیا صرفا شما متکلم وحده بودید یا تو کلاستون گفتگوی دوطرفه هم جریان داشت؟

در بعضی از مباحث الزامی هست که من متکلم وحده باشم تا اون مطلب اصلی رو برای بچه ها تفهیم کنم. اما معمولا در موارد دیگر از بچه ها کمک میگیرم. من معلم فارسی هستم مثلا اجزای جمله رو برای بچه ها میگیرم و از آنها کمک بگیرم و بیت هارو به آنها واگذار میکنم تا اجزای جمله رو پیدا کنند و به آنها میگیرم چون تازه درس گرفتن اگر جواب اشتباه هم بدین مهم نیست و کسی نباید بخنده و ایراد بگیره اگر اشتباه بود خودم توضیح میدم.

## ۱۰. شما به عنوان معلم آیا موافق این هستید که در زمان مصاحبه تربیت معلم بیشتر بر موارد تئوری اهمیت میدند؟ موافق اینگونه پرسش ها هستید؟

من تربیت معلم نبودم نمیدونم چه مصاحبه یی رو انجام میدن.

ولی چیزی که از همکارام پرسیدم. اون ملاک هایی که برای انتخاب معلم در تربیت معلم مدنظر بود اصلا چیز خوبی نبود. نمیتونم در مورد تربیت معلم الان نظر بدم چون خبر ندارم اما اگه فقط بخواهند مباحث تئوری رو حفظ کنند چه فایده داره؟ معیار های انتخاب معلم باید خیلی موشکافانه و ظریف باشد. تا اونجایی که من خبر دارم در مورد تعهد به انقلاب و حجاب زیاد و.. اعتقاد داشتند و این خیلی نتیجه خوبی نداد معلم هایی اومدن که خیلی به اون بعد توجه







## بازی ها و تاثیرات آن ها بر تربیت کودکان

گردآورنده و نویسنده: پگاه قنبری



بازی به آنها اجازه می دهد تا چیزهای جدید را با سرعت خاص خود کشف کنند، توانایی خود را در زمینه توانایی های بدنی افزایش دهد، مهارت های جدید بیاموزند و کارها را به روش خودشان پیش ببرند. در حین بازی با دیگران، کودکان مهارت های رهبری را با هدایت فعالیت ها و یا با پیروی از رهبر گروه یاد میگیرند.

### اهمیت بازی برای کودکان

بازی دارای طیف گسترده ای از مزایای سلامتی جسمی، روحی، عاطفی و اجتماعی برای کودکان است. به دور از یک فعالیت بهبوده، بازی های کودکانه بدون هدف، منجر به آسیب در رشد جسمی، ذهنی و شناختی، عاطفی و اجتماعی کودکان می شود به همین دلیل این یک مؤلفه اصلی در سلامت نسل های بعدی و اجداد شناخته شده است.

### بدن سالم می سازد

بازی برای رشد یک بدن سالم و قوی در کودکی ضروری است. بچه ها در حین بازی چیزهایی زیادی از جمله مهارت های حرکتی درشت، انعطاف پذیری، و مهارت های حفظ تعادل که آنها در طول

بازی کردن بیش از هر هدف جدی یا کاربردی، فعالیتی برای تفریح و سرگرمی کودکان است. بازی کردن اغلب با رفتارهای مثبت همراه است که باعث تقویت بقا و کیفیت زندگی می شود. و مهمتر از آن، بازی کردن ارتباطات اجتماعی و حس تعلق را در کودکان ایجاد می کند. امروزه بازی برای رشد کودک آنقدر مهم است که به عنوان حق هر کودک شناخته شده است. بازی زمینه ی پیشرفت و آماده سازی کودک را از نظر جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی برای تجربیات و چالش های زندگی فراهم می کند.

بسیاری از فعالیت هایی که حول محور بازی با کودکان است سبب ساختن پیوند های محکم بین فرزند و والدین می شود. این بازی ها باعث می شود که والدین متوجه استعداد های منحصر به فرد هر کودک را بشناسد.

بازی به کودکان اجازه می دهد تا قدرت تخیل، مهارت، توانایی جسمی، شناختی و عاطفی خود را رشد دهند. بازی برای رشد کامل مغز مهم است. کودکان از طریق بازی می توانند در سنین بسیار پایین با دنیای اطراف خود تعامل نمایند.





است که یک راه حل واحد دارد. در حالی که حل مسئله هم گرا در کلاس درس و در آزمون های هوش معمولی تاکید شده است، حل مسئله واگرا به خلاقیت مرتبط است و بیشتر در، جهان متنوع و پیچیده ای که ما در آن زندگی می کنیم قابل اجراست.

توانایی حل مسئله به صورت واگرا، که از راه بازی بهبود یافته است، ممکن است به انتخاب مسیر کودک در دنیای واقعی کمک کند همانگونه که برای عملکرد خوب در آزمون استاندارد تشویق میشود.

### تحریک خلاقیت با بازی

بسیاری از افراد خلاقیت را یک مهارت ویژه می دانند که تنها در اختیار معدود افراد خوش شانس، مانند هنرمندان و موسیقی دانان است. با این حال، حقیقت این است که همه انسانها می توانند خلاق باشند و بازی روشی است که می توانیم از آن برای تحریک خلاقیت ذاتی خود استفاده کنیم.

توانایی خلاق بودن به عنوان شیوه ای سالم برای کودکان در بیان احساسات و تأمل در تجربیات آنها است.

### کاهش استرس از طریق بازی

متأسفانه، زندگی مدرن سرشار از استرس روانی است و اگر نتوانیم درگیر فعالیت های کاهش استرس شویم، به سرعت ما را تحت الشعاع قرار می دهد. در حالی که تکنیک های مراقبه مانند مدیتیشن جایگاه خود را در مدیریت استرس دارد، بازی نیز نقش مهمی اما کم ارزشی را به عنوان یک بافر ایفا می کند که تأثیر عوامل استرس روزانه را در زندگی، سلامت و روابط ما تضعیف می کند. رویدادهای استرس زا را کنترل کنید.

### یادگیری از طریق بازی

بازی یکی از اصلی ترین راه های یادگیری و پیشرفت کودکان است. بازی کردن به شناخت کودک در توانایی خود و ایجاد احساس

زندگی به آن نیاز دارند را یاد می گیرند. بازی در فضای باز، قرار گرفتن در معرض نور خورشید، در محیط های طبیعی و هوای تازه، باعث سلامت جسمی کودکان می شود، که در تشکیل استخوان و سیستم ایمنی قوی آنها تاثیر بسزایی دارد.

### علاوه بر افزایش فعالیت بدنی، بازی کردن فواید بسیاری دارد :

• منجر به افزایش قدرت عضلانی می شود

• عملکرد قلب و ریه را بهبود می بخشد

• به جلوگیری از چاقی، دیابت و کلسترول بالا کمک می کند

میزان کودکانی که از بیماری های مزمن از جمله آسم، چاقی و دیابت رنج می برند به سرعت در حال افزایش است. این تحقیق نشان می دهد که با استراتژی افزایش زمان بازی می توان در مبارزه با بیماری های مزمن و واگیر در کودکان قدم برداشت.

### منجر به سلامت مغز و ذهن می شود

بازی بخشی جدایی ناپذیر از رشد و نمو عصبی در حیوانات و کودکان خردسال است. تحقیقات نشان می دهد که میزان بازی در موش ها با میزان رشد مغز آنها، به ویژه مخچه (منطقه ای مرتبط با کنترل حرکتی) ارتباط مستقیمی دارد. به نظر می رسد بازی نقش مهمی در شکل گیری یک مغز بالغ که توانایی بهینه سازی کنترل عضلات را دارد، ایفا می کند. مکالماتی که بین کودکان و بزرگسالان در طول بازی رخ می دهد نیز منجر به تقویت اتصالات عصبی در قسمت های مختلف مغز که برای یادگیری زبان حیاتی است، می شود.

### آموزش مهارت حل مسئله به کودکان

بازی در کودکان، توسعه مفهومی به نام تفکر واگرا را تشویق می کند، که این امر به توانایی ایجاد ایده ها با کشف بسیاری از راه حل های ممکن اشاره دارد. از طرف دیگر حل مسئله هم گرا شامل حل مشکلی





با چالش های آینده روبرو شوند.

## ایجاد روابط دوستانه بین کودک و هم بازی هایش

ایجاد هوش هیجانی با کمک به کودکان در بازی و برقراری روابط با همسالان خود به دست می آید. روابط دوستی تاثیر فوق العاده ای در روند بهبود و زندگی بشر دارد. دوستی های پیش دبستانی به بهبود مهارت های اجتماعی، عاطفی و ترویج حس تعلق کودکان کمک زیادی می کند، در حالی که روابط دوستی در بزرگسالان یک شبکه پشتیبانی قوی را فراهم می کند و به کاهش استرس کمک می کند.

باید در نظر داشت که ماهیت بدون ساختار در بازی های کودکان، مدارهای عصبی را در قسمت جلوی مغز ایجاد می کند، که به مغز (و کودک) کمک می کند تا در تعامل های پیچیده اجتماعی به درستی قدم بردارد.

## ایجاد رابطه سالم پدر و مادر با کودک

مسیر رشد و نمو کودکان رابطه ی مستقیمی با میزان ارتباط والدین با فرزندانشان دارد و یکی از اصلی ترین راه های توسعه این روابط از طریق بازی است. وقتی والدین با فرزند خود بازی می کنند، پیام ساده ای را به کودک می فرستند: شما برای من مهم هستید. توجه غیرقابل انکاری که والدین در طول زمان به فرزند خود می دهند به کودک اجازه می دهد که بدانند ارزشمند هستند، به والدین می آموزد که چگونه با کودک ارتباط موثری برقرار کنند و این امکان را برای والدین فراهم می کند که بتوانند راهنمایی های لازم را در این زمینه فراهم کنند. بنابراین بازی می تواند به عنوان سنگ بنای اساسی در ایجاد روابط سالم و پایدار والدین و فرزندانشان باشد.

## یادگیری اصولی همانند همکاری کردن به کودک

هنگامی که کودکان بدون قید و شرط در بازی شرکت می کنند، آنها مهارت های ضروری در مورد چگونگی همکاری با دیگران را کسب می کنند.

خوب در مورد خودش کمک می کند و منجر به احساس رضایت وی از خود میشود. از آنجا که بازی برای کودکان سرگرم کننده است، کودکان اغلب به آنچه انجام می دهند بسیار جذب می شوند. بازی برای رشد کودک بسیار مهم است، به طوری که بخش مهمی از مرحله رشد کودک در سال های اولیه ی وی تلقی می شود و در این مسیر چیزهای زیادی را یاد می گیرد. بنابراین کودکان خردسال می توانند از طریق بازی مهارت های زیادی را به دست آورند. آنها ممکن است مهارت های زبانی، احساسی، خلاقیت و مهارت های اجتماعی خود را گسترش دهند. بازی به پرورش تخیل نیز کمک می کند و به کودک حس ماجراجویی می بخشد. از این طریق، آنها می توانند مهارت های اساسی مانند حل مسئله، کار با دیگران، اشتراک گذاری و موارد دیگر را بیاموزند. به نوبه خود، این امر به آنها کمک می کند تا توانایی تمرکز را نیز توسعه دهند.

## تقویت هوش هیجانی و عزت نفس کودکان در بازی

تصور کنید که کودکی چهار ساله هستید و در حال ساختن بلوک های یک برج هستید. ناگهان کودکی دیگر به سمت برج گران بهای شما می رود و آن را خراب می کند. چه کار می کنید؟ به معلم خود می گوئید؟ و یا به آن کودک می گوئید که اقدامات او خلاف مقررات است؟ گریه می کنید؟

موقعیت هایی از این قبیل اغلب در شرایط بازی بدون ساختار اتفاق می افتد و برای کمک به یادگیری کنترل و ابراز احساسات کودکان بسیار مهم هستند. کودکان کم حرف می توانند دیدگاه ها، تجربیات و ناامیدی های خود را از طریق بازی بیان کنند. هوش هیجانی ایجاد شده در طول بازی به کودک کمک می کند تا موقعیت های اجتماعی و روابط را در طول زندگی خود بشناسد و به آنها جهت دهد.

## بازی درمانی برای کودکان خجالتی چه تاثیری دارد؟

علاوه بر ایجاد هوش هیجانی، بازی به رشد اعتماد به نفس سالم در کودکان کمک می کند. با بالا رفتن اعتماد به نفس و انعطاف پذیری کودکان، آنها می توانند جای خود را در این جهان هستی پیدا کنند و





به جای تکیه بر قوانین و مقررات و حاکم کردن تجارب خود، آنها باید با همسالان خود برای ایجاد و رسیدن به اهداف متقابل تلاش کنند. این همکاری ممکن است شامل مشارکت، مذاکره و حل اختلافات باشد. توانایی همکاری با دیگران و مهارتی که از طریق بازی آموخته می شود، به افراد کمک می کند تعاملات بین فردی در طول زندگی خود در محیط های مدرسه، محل کار و خانواده را بهتر کنترل کنند.

### اهمیت بازی در کودکان در یادگیری زبان و واژگان

در حالی که کودکان بازی می کنند ، آنها مهارت های زبانی خود را پرورش می دهند. قرار گرفتن مداوم در معرض چیزها و فعالیتهای جدید ، سبب سازماندهی و گسترش دایره واژگان آنها می شود. در این شرایط کودک با بیان اینکه در حال انجام چه کاری است مهارت استفاده از زبان را گسترش داده و ساختار گرامر و روش صحیح جمله سازی را یاد می گیرند.

### پرورش توانایی شناختی

هر بازی جدید راهی برای کودکان فراهم می آورد تا درک خود را از مفاهیم جدید بسازند. کودک از طریق بازی ، جهان را کشف می کند و می تواند یاد بگیرند که چگونه مسائل را در هنگام جستجو و بررسی حل نمایند.

در طی بازی مغز کودک تحریک می شود و دائماً توانایی های فکری (شناختی) خود را پرورش می دهند. کودکان مهارت هایی مانند حافظه ، درک ، توانایی حل مسئله ، مهارت های تفکر و غیره را در طی بازی پرورش می دهند.

### مهارت های اجتماعی

هیچ راهی بهتر از بازی وجود ندارد که کودکان معاشرت را یاد بگیرند. خواه این بازی بین کودک با خواهر و برادرش باشد و خواه با دوستان دیگر. آنها همچنین این مهارت ها را از طریق تعامل با والدین فرا می گیرند.

**منبع :** مقاله تاثیر بازی های آموزشی بر رشد اجتماعی کودکان پیش

دبستانی / مقاله نقش بازی در رشد کودکان

( شناخت و آگاهی، عزت نفس، عاطفی، خلاقیت، اخلاق)







## اخبار دنیای آموزش در حوزه علوم تربیتی:

گردآورنده و نویسنده: زهرا علیخانی

### وضعیت حقوقی معلمان مدارس غیردولتی ساماندهی

می شود. (منبع: باشگاه خبرنگاران جوان)

وزیر آموزش و پرورش در نظارت بر مدارس غیردولتی و عدالت آموزشی با وجود این مدارس اظهار کرد:

در کشورهای اروپایی تنها دو درصد مدارس ابتدایی به صورت غیر دولتی اداره می‌شوند که آن مدارس نیز توسط سازمان‌های خیریه مانند کلیساها و غیره اداره می‌شوند.

در دنیا ۵ درصد مدارس ابتدایی به صورت غیر دولتی اداره می‌شود اما در کشور ما سه درصد مدارس ابتدایی به صورت غیر دولتی اداره می‌شود.

وی ادامه داد: برخی از مدارس غیردولتی با حقوق‌های کم نیروی انسانی خود را در اختیار می‌گیرند که با طرحی که به صحن مجلس شورای اسلامی می‌رود این تخلف سامانه خواهد شد تا مدارس غیردولتی قادر نخواهند بود با نیروهای خود اینطور رفتار کنند.

همچنین نمایش شهریه اعلام می‌شود را با شهری که توسط مدارس گرفته می‌شود متفاوت باشد و کجا تخلفی اصلی مدارس غیر دولتی اتفاق بیفتد

### ابلاغ مصوبه جنجالی کنکور (منبع: خبرگزاری ایرنا)

دروس عمومی حذف می‌شوند و در سال ۲ آزمون برگزار می‌شود. در این مصوبه آمده سهم نمره سابقه تحصیلی در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ فقط پایه دوازدهم به میزان ۴۰ درصد با تاثیر قطعی برای سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ فقط پایه یازدهم و دوازدهم به میزان ۶۰ درصد با تاثیر قطعی و برای سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۶ و بعد از آن پایه های دهم یازدهم و دوازدهم به میزان ۶۰ درصد با تاثیر قطعی در نمره کل نهایی خواهد شد.

آزمون اختصاصی: آزمون سراسری از میان دروس تخصصی رشته های تحصیلی در سه سال آخر دوره دوم متوسطه در هر یک از گروه های آزمایشی است که بر اساس کتاب های درسی وزارت آموزش و پرورش توسط سازمان سنجش برگزار می‌شود. دروس عمومی از آزمون اختصاصی هر گروه آزمایشی هست و نمره کل آزمون اختصاصی میانگین وزنی نمرات تراز شده دروس تخصصی در هر گروه آزمایشی است. این آزمون برای پذیرش در سال تحصیلی ۱۴۰۲ و بعد از آن در هر سال دو بار برگزار و نتیجه آن حداکثر برای دو سال و صرفاً برای همان گروه آزمایشی متقاضی معتبر است.







جمهوری اسلامی ایران  
وزارت آموزش و پرورش



شاد

شبکه آموزشی دانش آموزان



راهنمای دانش آموزان

راهنمای معلمان

راهنمای مدیران

در صورت ارائه گزارش حتماً با آنها برخورد خواهد شد.

وزیر آموزش و پرورش تصویب قانون رتبه بندی معلمان را حاصل تلاش دولت مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان دانست و آن را عامل ایجاد انگیزه در معلمان در راستای آمادگی برای ایجاد تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش برشمرد.

عصر جدید دانش آموزی در شبکه شاد

(منبع: خبرگزاری مهر)

به گزارش بازرگانی خبرگزاری مهر معاونت پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش با اجرای مسابقه سکوی ایران قوی به دنبال توانمندسازی و کشف استعدادهاى برتر دانش آموزان است تا بتواند شرایطی را برای ورود دانش آموزان مستعد به دنیای رسانه فراهم کند.

دانش آموزان متقاضی باید وارد اپلیکیشن شاد شده و از بخش تابستان من گزینه مسابقه سکوی ایران قوی را انتخاب کنند و پس از عضویت در کانال اطلاع رسانی و مطالعه شیوه نامه مسابقه آثار خود را با استانداردهای تعریف شده تا تاریخ نوزدهم مردادماه در قالب ویدئو ارسال کنند.

پس از دریافت ویدئوهای ارسالی دانش آموزان داوری اولیه انجام میگردد و آثار منتخب برای اجرای حضوری در منطقه دعوت خواهند شد.

همچنین آثار برگزیده دانش آموزان منطقه در قالب ویدئو ضبط شده با کیفیت توسط اساتید و هیئت داوران ارزیابی شد و پس از کسب شایستگی و حدنصاب لازم از دانش آموزان جهت حضور در مرحله کشوری دعوت خواهد شد.

در این مرحله دانش آموزان در سطح کشوری با هم رقابت خواهند کرد و در انتها جوایز نفیسی و برندگان مسابقه اهدا خواهد شد.

متقاضیان شرکت در مسابقه در صورتی که هرگونه سوال و یا ابهام داشته باشند می توانند با کانون فرهنگی تربیتی منطقه خود تماس حاصل کنند.







گردآورنده و نویسنده: فاطمه ملک پور

## چالش هایی که در آموزش و پرورش ایران وجود دارد:

### هر کودک ، نیازمند یک معلم.

شعار سازمان یونسکو برای تحقق اهداف آموزش برای همه.

منظور از این شعار برابری تعداد کودکان با تعداد معلمان نیست بلکه دلیل انتخاب این شعار، اهمیت برخورداری همه انسان ها از آموزش با تاکید بر نقش اساسی معلمان در ارتقای کیفی آموزش است.

کمبود معلم در برخی کشورهای فقیر و حاشیه ای دنیا و کمبود معلم آموزش دیده و حرفه ای در کشورهای در حال توسعه دو چالش عمده است.

آموزش و پرورش کشورهای مختلف در زمینه نیروی انسانی با چالش های متفاوتی مواجه هستند. در کشورهای فقیر و پیرامونی، به دلیل کمبود اعتبارات آموزش و پرورش، معلم به اندازه کافی جذب نمی شود و آن تعداد از معلمانی که در مدارس به کارگرفته می شوند، دوره های تخصصی لازم را نگذرانده اند. در اغلب کشورهای فقیر و در حال توسعه، حقوق معلمان کم و انگیزه و تعهد شغلی و بهره وری آنها پایین است.

معلمان فقیر ، آموزش ندیده و بی انگیزه، هرگز نمی توانند کیفیت

کیفیت آموزش را تضمین کنند. بر اساس یک درک غیر تخصصی، ضعیف ترین و کم سوادترین معلمان در دوره ابتدایی به کار گرفته می شوند درحالی که مطابق اصول تعلیم و تربیت، باید از بهترین و آموزش دیده ترین معلم ها در دبستان ها استفاده شود.

موضوع مهم دیگر توان پاسخگویی معلمان به چالش های قرن بیست و یکمی است. نظام های آموزش و پرورش حتی در جهان توسعه یافته، دانش آموزان و دانشجویان را اغلب متناسب با نیازهای صنعتی و بازار کار تربیت می کنند. در حالی که وظیفه آموزش و پرورش تربیت انسانهای خلاق و کارآفرین است که مهارت های زندگی در جامعه پیچیده امروز را آموخته باشد. آموزش هم در محتوا و هم در شکل دچار تحول شده است.

آموزش و پرورش ایران در ارتباط با شعار امسال یونسکو در هفته آموزش برای همه، با چه چالش هایی مواجه است؟ آموزش و پرورش ما با کمبود معلم مواجه نیست، بلکه با توزیع نامناسب معلمان مواجه است که باعث ایجاد نیروی مازاد در مناطق برخوردار و کمبود معلم در برخی مناطق محروم شده است. سیاست های استخدامی این وزارتخانه نتوانسته تا کنون این معضل را حل کند. آموزش و پرورش در زمینه کیفیت آموزشی دچار مشکل است.





و بخشی از ضعف کیفیت آموزشی، به چگونگی جذب، آموزش و نگهداشت معلمان برمی گردد

اغلب معلمان آموزش های لازم برای حرفه معلمی را ندیده اند و در طول خدمت به ندرت در کلاس های ضمن خدمت، اطلاعات و دانش و روشهای آموزشی خود را بازنگری و اصلاح کرده اند. انگیزه شغلی معلمان و دلبستگی حرفه ای آنها، پایین است. معلمان در دفتر مدرسه و حتی در کلاس های درس مستقیم و غیر مستقیم نارضایتی خود را از اوضاع معیشتی ابراز می کنند

اغلب معلمان حقوق و مزایای پایین را عامل بی انگیزگی خود معرفی می کنند.

یکی دیگر از چالش ها نبود نظارت دقیق در ارزشیابی عملکرد معلمان و دادن بازخورد لازم به آنهاست.

ارزشیابی دقیق از عملکرد نیروی انسانی شاغل در سازمانها و نهادها، یکی از ارکان مدیریت منابع انسانی می باشد. با شناخت دقیق عملکرد، می توان نقاط ضعف و قوت نیروی انسانی تحت پوشش را مشخص کرد و با اقدامات لازم و به موقع، موانع پیش روی نیروها را از میان برداشت و در نهایت عملکرد فرد و سازمان را ارتقاء داد.

بازدهی کم کلاس های باز آموزی و ضمن خدمت از دیگر چالش های پیش روی آموزش و پرورش می باشد.

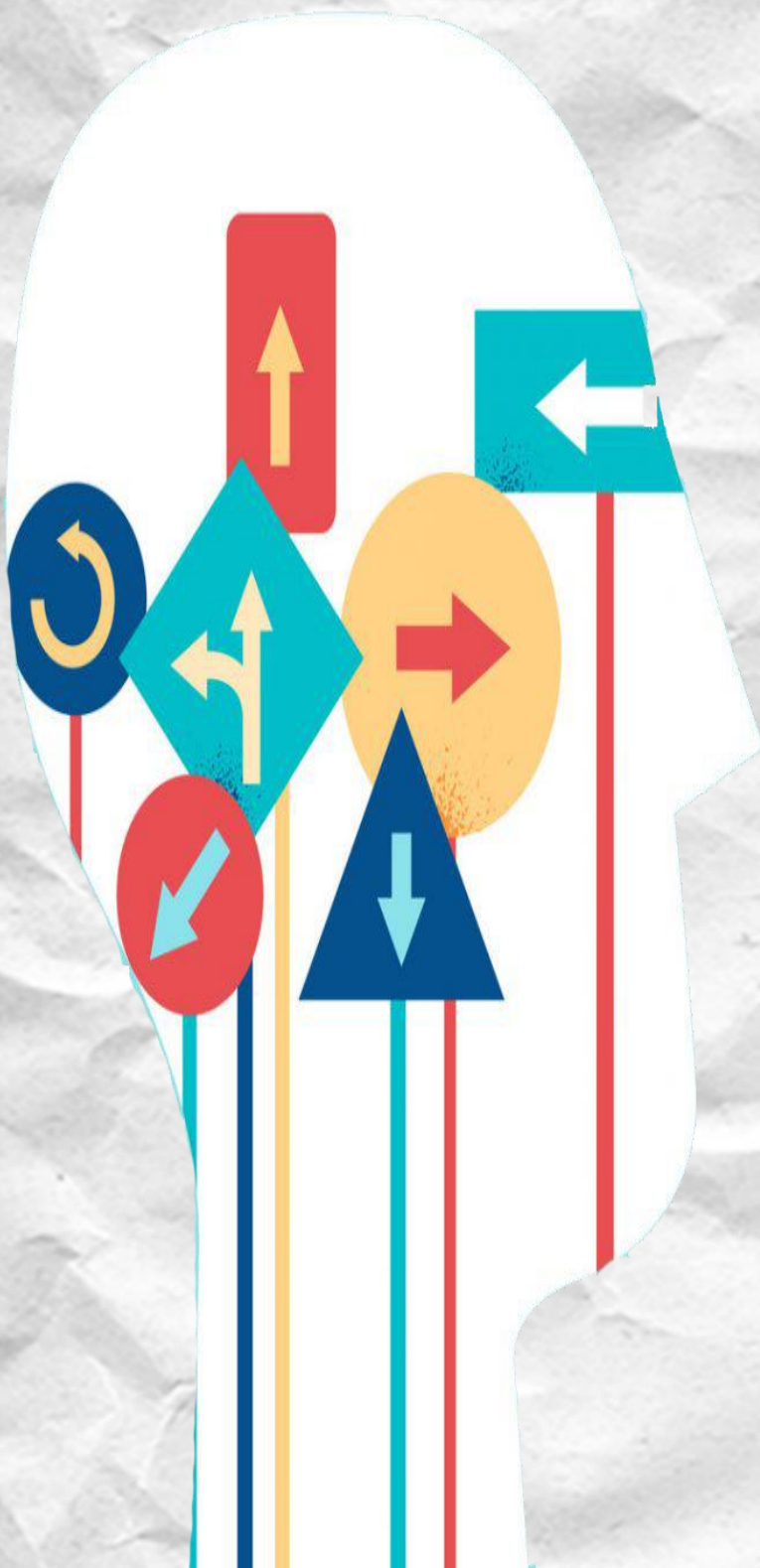
منبع:

کتاب جامعه شناسی توسعه از عبدالعلی لهسایی زاده

چکیده مقاله های همایش ملی مهندسی اصلاحات از رحیم عبادی

کتاب کیفیت در آوزش و پرورش از رابشون ماتیوس

فصلنامه هماهنگ از ناصر حق جو







## صلاحیت کنکوری یا گزینش دوره ای؟

گردآورنده و نویسنده: معصومه جعفری

گاهی نیز مدارس و مناطق مختلف با درج آگهی در روزنامه یا مجلات تخصصی و وب سایت ها مربوط به تعلیم و تربیت برای استخدام معلم جدید اعلام نیاز میکنند و مدیر و شورای مدرسه و مدیریت آموزش و پرورش شهرداری، معمولاً در استخدام معلمان تصمیم گیری میکنند. مسئولیت برگزاری دوره های آموزش معلمان مقاطع راهنمایی و ابتدایی کشور فنلاند از کانون آموزش معلمان در سال ۱۹۷۱ به دانشگاه های کشور واگذار گردید. در اواخر دهه ی ۷۰ مطابق قوانین آموزشی کلیه مقاطع معلمان ابتدایی و متوسطه ملزم به اخذ مدرک ارشد گردیدند. دوره ی آموزش معلمان ۳ سال به طول می انجامد و زمان لازم احراز معلمی ۵ سال است. معلمان فقط ۴ ساعت در روز در کلاس های درس می گذرانند و ۲ ساعت در هفته را به عنوان پیشرفت حرفه ای صرف میکنند. معلمان مدارس ابتدایی بایستی دارای مدرک اصلی در رشته آموزش و مدرک فرعی در یک موضوع دیگری در طول تحصیل خود باشند. بانشند ولی معلمان دبیرستان باید دارای مدرک اصلی در موضوعی که قرار است تدریس کنند و مدرک فرعی در موضوع دیگری باشند. کشور فنلاند بهترین ها را انتخاب می کند اگر چه هزاران نفری امید دارند در برنامه دانشگاهی آزمون معلمان در مقطع ابتدایی پذیرفته شوند اما تعداد محدودی پذیرفته می شوند دانشجویان با توجه به

اگر آموزش و پرورش به عنوان نهادی اجتماعی بخواهد حیات خود را حفظ کرده و به صورت فعال و پویا پاسخگوی نیاز های در حال افزایش باشد ضروری است به برنامه آموزشی تربیت معلم توجه خاصی داشته باشد زیرا با وجود پیشرفت های زیاد در فن آوری و وسایل کمک آموزشی در آموزش و پرورش، معلم همچنان رکن اساسی را در امر آموزش و پرورش و پیشرفت جامعه به شمار می رود و یکی از کشورهای هائی که توجه زیادی به تربیت معلم دارد کشور فنلاند می باشد کشور فنلاند به عنوان دارنده ی یکی از برترین نظام های آموزشی توجه بسیار زیادی به پرورش معلمان خود به عنوان یکی از ارکان اصلی آموزش و پرورش داشته است.

ما در این قسمت از متن می خواهیم به مقایسه ی تربیت معلم در کشور فنلاند و ایران بپردازیم آنچه حائز اهمیت است در تربیت معلم فنلاند به تربیت معلم از دوره پیش دبستانی تا متوسطه تاکید می شود اما در ایران صرفاً دولت و مجلس به عنوان مراجع تصمیم گیری، اهداف در نظر گرفته می شود.

با توجه به اینکه نظام آموزشی فنلاند غیر متمرکز می باشد وزارت آموزش و پرورش نقشی در استخدام و به کارگیری معلمان ندارند بلکه متقاضیان در خواست همکاری خود را به شهرداری ها تحویل می دهند





در قانون گزینش معلمان هیچ تعریفی از صلاحیت علمی به میان نیامده است به نظر می رسد این امر از نگاه گذار از اهمیت لازم برخوردار نبوده باشد زیرا در هنگام گفتن غالب در بافت سیاسی، اجتماعی و اداری، ارجحیت تعهد بر تخصص بود. در اینجا ذکر این نکته لازم است که شاید منظور از صلاحیت علمی، کسب نمره لازم در آزمون سراسری برای قبولی تربیت معلم یا تعهد دبیری باشد.

یکی از تفاوت های نظام تربیت معلم با بقیه ی کشور های پیشرفته مانند فنلاند در این است که در کشور ما به محض قبولی در آزمون سراسری شخص قبول شده، بدون آنکه هنوز توانایی های لازم و صلاحیت حرفه ای در وی به اثبات رسیده باشد به عنوان معلم پذیرفته شده و متعهد به خدمت در آموزش و پرورش می شود. منبع:

مقاله نظام تربیت معلم در فنلاند با تاکید بر دانشگاه تربیت معلم حرفه ای جمک

مقاله باز کاوی نظام گزینش معلم در ایران

به یک فرایند دو مرحله ای انتخاب می شوند که نیازمند یک نمره بالا در آزمون کالج، میانگین بالا در طول تدریس و داشتن سطح بالا در فعالیت های فوق برنامه است. تربیت معلم در فنلاند پژوهش محور است و نکته مهمی که در جذب نیرو در تربیت معلم کشور فنلاند باید در نظر گرفت این است که کار معلم باید یک حرفه مستقل و قابل احترام به جای تمرکز بر اجرای فنی استاندارد های خارجی آزمون های بی پایان و مسئولیت های اداری باشند. دانشجویان در برنامه آموزشی معلمان تنها ۱۰ درصد از فارغ التحصیلان دوره متوسطه فنلاند را تشکیل می دهند.

ولی متأسفانه نظام تربیت معلم در ایران از تربیت حرفه ای و هوشمندانه معلمان عاجز و ناتوان است. دلایلی نیز ذکر شده است دلیل اول: نظام گزینش معلم نظامی غیر جامع و تک بعدی است. دلیل دوم: نظام تربیت معلم { معلم پرور } نبوده است.

بر اساس قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مهم ترین ضوابط عمومی گزینش اخلاقی، اعتقادی و سیاسی کارکنان آموزش و پرورش، مدرس غیر انتفاعی، سازمان ها و شرکت های تابعه اعم از داوطلبان مراکز تربیت معلم، دانشسراها، تعد دبیری، متعهدین خدمت و ... علاوه بر شرایط عمومی استخدام (صلاحیت علمی و توانایی جسمی و روانی) به قرار زیر است:

۱- اعتقاد به دین مبین اسلام و یا یکی ادیان رسمی مطرح در قانون

اساسی جمهوری اساسی ایران

۲- الزام عملی به احکام اسلامی

۳- اعتقاد و التزام به ولایت فقیه، نظام جمهوری اسلامی و قانون

اساسی

۴- عدم اشتها به فساد اخلاقی

۵- عدم سابقه وابستگی تشکیلاتی، هواداری از احزاب.





